یادداشت روز

آقای ظریف! با امنیت ملی بازی نکنید

۱- جناب آقای «محمدجواد ظریف» وزیر اسبق امور خارجه، اخیراً در اظهارنظری تأمل‌برانگیز گفته است:

«اجازه مذاکرات غیرهسته‌ای را نداشتم، اما امروز دیگر حل مشکل هسته‌ای با هسته‌ای ممکن نیست. موشک بسیار مهم است اما مردم مهم‌تر هستند و مردم، ایران را در قرن‌های گذشته نگه داشتند.»

۲- در ابتدا باید از ایشان پرسید که شما به زعم خودتان با همان «اجازه مذاکرات هسته‌ای» چه دستاوردی کسب کردید؟! خودتان می‌دانید که «تقریبا هیچ» دستاوردی کسب نکردید؛ ولی ای کاش صرفا همان «تقریبا هیچ» بود. مذاکرات هسته‌ای که شما سکاندار آن بودید، نه تنها هیچ دستاوردی نداشت، بلکه خسارت محض در پی داشت. به واسطه آن مذاکرات، هم تحریم‌ها دو برابر شد و هم در قلب راکتور هسته‌ای که حاصل مجاهدت و تلاش شبانه‌روزی دانشمندان کشورمان بود، بتن ریخته شد.

۳- متاسفانه جناب ظریف در سخنان اخیر خود، عملاً دو عنصر اساسی کشور یعنی «امنیت ملی» و «رفاه عمومی» را در مقابل یکدیگر قرار داده است. این اظهارات در بطن خود حامل پیامی خطرناک است که تلاش دارد جایگاه «توان دفاعی» را در برابر «مردم» قرار دهد.

این اظهارنظر جناب ظریف از آن جهت قابل تأمل است که درست در زمانی مطرح شده است که بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و تجربه تهدیدات مستقیم دشمن، اهمیت توان موشکی ایران در دفاع از جان و مال مردم بیش از هر زمان دیگری آشکار شده است.

اگر امروز تهران و اصفهان و مشهد و اهواز و سنندج و تبریز و خرم‌آباد و زاهدان و اقصی نقاط کشور در آرامش‌اند، به دلیل همان توان موشکی است که هر متجاوزی را از فکر حمله باز می‌دارد. امروزه و به خصوص پس از جنگ ۱۲ روزه، آحاد ملت ایران بر این مسئله تاکید دارد که قدرت دفاعی ایران اهرم قدرتمندی برای دفاع از جان و مال و زندگی مردم است.

۴- برخلاف تصور غربگرایان، موشک‌ها ابزار جنگ‌طلبی نیستند، بلکه زبان صلح از موضع اقتدارند. چنان‌که «جورج کنان» دیپلمات مشهور آمریکایی و نظریه‌پرداز برجسته سیاست مهار، گفته بود: «این نیروی نظامی است که در پشت صحنه، قدرت دیپلماسی را افزایش می‌دهد.»

۵- دولت‌هایی که بدون قدرت دفاعی سر میز مذاکره نشسته‌اند، معمولاً نه شریک، بلکه قربانی دیپلماسی بوده‌اند.

نمونه‌اش را می‌توان در سرنوشت لیبی دید؛ کشوری که پس از خلع سلاح، طعمه تجاوز شد.

بنابراین، سخن گفتن از دوگانه «موشک یا مردم» عملاً باز تکرار همان خط تبلیغی غرب است که می‌خواهد ایران را از مؤلفه‌های قدرت تهی کند. واقعیت این است که دشمنان بیرونی در تحقق این هدف شکست خورده‌اند و حالا برخی در داخل، آگاهانه یا ناآگاهانه، ادامه‌دهنده همان پروژه‌اند.

۶- اینکه آقای ظریف می‌گوید «مردم مهم‌ترند» در ظاهر سخنی درست است، اما وقتی از زبان کسی مطرح می‌شود که تصمیماتش فشار بی‌سابقه‌ای بر دوش همین مردم گذاشت، معنای دیگری پیدا می‌کند. مردم در دهه ۹۰ و در دولت مدعی تدبیر و امید به واسطه خسارت محض برجام و قصور و تقصیرهای برخی دولتمردان، با گرانی افسارگسیخته دست و پنجه نرم کردند. در آن مقطع تحریم‌ها دو برابر شد و همزمان صنعت هسته‌ای با محدودیت‌های شدید مواجه شد. آن وضعیت حاصل همان برجامی بود که قرار بود «هم چرخ سانتریفیوژها را بچرخاند و هم چرخ زندگی مردم را»!

اکنون همان جریان سیاسی که دهه‌ها با سوءمدیریت، وضعیت اقتصادی را به این نقطه رسانده است، بار دیگر در نقش مدافع مردم ظاهر شده و امنیت را در برابر رفاه قرار می‌دهد. این سخنان در واقع تلاشی برای بازگرداندن همان گفتمان شکست‌خورده است؛ گفتمانی که گمان می‌کرد با امتیاز دادن به دشمن، می‌توان امنیت و رفاه خرید.

در حالی‌که تاریخ انقلاب اسلامی، بارها خلاف این تصور را ثابت کرده است: هر جا مقاومت بوده، پیشرفت نیز از دل آن زاده شده است.

۷- و اما جنبه دیگر اظهارنظر تأمل برانگیز جناب آقای ظریف، دمیدن بر دو قطبی‌سازی است. امام خمینی(ره) در ۱۴ مهر ۱۳۶۲ در دیدار اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران فرمودند:«از شیاطین غافل نباشید...آنچه که امروز آنها دست به آن زده‌اند، قضیه ایجاد - به خیال خودشان - تفرقه است... هیچ خطی جز خط اسلام در ایران نیست و همه با هم در یک خط هستند.»

ایشان در ادامه با اشاره به تجربه تلخ مشروطه افزودند: «دست‌هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم کرد... تا آنجا که مثل مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری را به دار زدند و مردم کف زدند.»

رهبر معظم انقلاب نیز ۵ اسفند ۱۳۹۴ در دیدار مردم نجف‌آباد با هشدار نسبت به ایجاد دوقطبی‌سازی در کشور تأکید کردند:«در ایران اسلامی فقط یک دوقطبی وجود دارد؛ دوقطبی انقلاب و استکبار.»

۸- جناب آقای ظریف در میان جریان غربگرا و بدنه تندرو مدعی اصلاحات به‌عنوان «قهرمان دیپلماسی»! معرفی می‌شود، اما واقعیت، تصویری متفاوت دارد. او که مسئول اصلی مذاکرات برجام بود، در نهایت توافقی را به امضا رساند که نتیجه‌اش نه رفع تحریم، بلکه افزایش تحریم‌ها و پرواز قیمت دلار بود. میلیون‌ها ایرانی هزینه آن تصمیم را با تورم، رکود و سقوط ارزش پول ملی پرداخت کردند. با این حال، ظریف هیچ‌گاه مسئولیت آن اشتباهات را برعهده نگرفت و امروز نیز به جای پاسخگویی، در قامت منتقد ظاهر می‌شود.

جالب‌تر اینکه- بهتر است بگوییم تأسف‌برانگیزتر اینکه- وی در سال‌های بعد در مصاحبه‌ای مدعی شد بعضی از بندهای برجام را شخصی به نام «فرانچسکو» افزوده و او از آن مطلع نبوده است! آیا پذیرفتنی است که وزیر امور خارجه یک کشور، از مفاد دقیق توافقی به آن اهمیت بی‌خبر باشد؟!

این پاسخ نه‌تنها از بار مسئولیت او نمی‌کاهد، بلکه عمق بی‌دقتی در یکی از مهم‌ترین پرونده‌های تاریخ معاصر ایران را نشان می‌دهد.

۹- و اما تناقض‌گویی‌های جناب ظریف به همین‌جا ختم نمی‌شود. وی در مردادماه سال ۱۳۹۴(چند هفته پس از امضای برجام) با اطمینان گفت: «آمریکا نمی‌تواند از برجام خارج شود.» اما سه سال بعد، رئیس‌جمهور آمریکا با یک امضا، عملاً و بدون هیچ هزینه‌ای از برجام خارج شد.

ظریف در همان مقطع امضای برجام در اظهارنظری دیگر گفت در متن توافق، واژه «تعلیق» وجود ندارد و همه تحریم‌ها لغو شده‌اند؛ در حالی که نمایندگان مجلس همان روز متن را نشانش دادند و خلافش را ثابت کردند. واکنش ظریف تنها این بود: «عه! عه! من اینجاها را ندیده بودم.»!

۱۰- متاسفانه جناب آقای ظریف در سال‌های گذشته بارها با طرح دوگانه‌های تصنعی و اقدامات هزینه‌ساز، واقعیت‌های کشور را وارونه جلوه داده است. از دوگانه معروف و البته دروغین «میدان و دیپلماسی» در اوج نبرد با داعش در منطقه تا رفتار پرحاشیه‌اش در ماجرای سفر بشار اسد به تهران که با تهدید استعفا، این سفر را به حاشیه برده و زمینه سوءاستفاده دشمن را فراهم کرد. متاسفانه موارد مذکور همگی نشانه تمایل وی به التهاب‌آفرینی در بزنگاه‌های حساس است.

اکنون نیز همان خط فکری در قالبی جدید بازتولید شده است: «موشک یا مردم»! این در حالی است که اکثریت قاطع ملت ایران، فارغ از جناح‌بندی‌های سیاسی، به‌خوبی می‌دانند که امنیت و مردم از یکدیگر جدا نیستند. در حقیقت امنیت و مردم، دو روی یک سکه‌اند.

۱۱- ملت عزیز ایران، تکیه‌گاه نظام‌اند و امنیت، حصار مردم است. هیچ‌کس نمی‌تواند با شعار مردم‌دوستی، ابزار دفاع از مردم را تضعیف کند. اگر موشک‌های ایران نبودند، کشورمان بارها و بارها توسط دشمنان این مرز و بوم شخم زده شده بود و اگر مردم نبودند، آیا این موشک‌ها معنا و اراده‌ای برای استفاده داشتند؟ بنابراین این دو، نه در تقابل، بلکه در تکامل یکدیگر معنا پیدا می‌کنند.

تجربه چهل‌وهفت ساله جمهوری اسلامی نشان داده است که هرگاه وحدت ملی و توان دفاعی در کنار هم قرار گرفته‌اند، کشور از سخت‌ترین بحران‌ها عبور کرده است. در مقابل، هر زمان که جریان‌های غربگرا با دوگانه‌سازی‌های مصنوعی مانند «هسته‌ای- معیشت» یا «موشک- مردم»، جامعه را دچار شکاف کرده‌اند، دشمن از همان شکاف‌ها وارد شده است.

۱۲- جناب آقای ظریف، با همه سابقه و تجربه‌اش، باید بهتر از هرکس بداند که امنیت ملی را نمی‌توان قربانی ژست‌های رسانه‌ای کرد. امروز بیش از هر زمان دیگری، پیوند مردم و امنیت آشکار شده است؛ پیوندی که نه با فشار، نه با تحریم و نه با تبلیغات دشمن گسسته نخواهد شد.

۱۳- افکار عمومی به خاطر دارد که یک جریان سیاسی در داخل کشور طی سالیان گذشته مدعی بود «دنیای فردا، دنیای گفتمان است و نه موشک». تصور کنید که اگر بر فرض، حاکمیت در ایران، این طرز فکر را پیاده‌سازی می‌کرد و تعطیلی قدرت دفاعی و توان نظامی را رقم می‌زد، در حال حاضر در چه وضعیتی بودیم؟!

۱۴- جنگ تحمیلی اخیر، بیش از پیش ثابت کرد که تقویت صنایع دفاعی و تحقیق و توسعه در این زمینه بسیار حیاتی است. برای همین است که می‌گویند: «اگر صلح می‌خواهی، باید برای جنگ آماده باشی.» این ضرب‌المثل در طول تاریخ در فرهنگ‌های مختلف تکرار شده و به عنوان یک اصل مهم در روابط بین‌الملل و سیاست‌گذاری نظامی و دفاعی کشورها مورد توجه قرار گرفته است.

۱۵- و اما همان‌طور که رهبر حکیم انقلاب فرمودند، در ایران تنها یک دوقطبی واقعی وجود دارد:«انقلاب و استکبار» و مردمی که قریب به نیم قرن است این حقیقت را در میدان عمل ثابت کرده‌اند، هرگز اجازه نخواهند داد دوقطبی‌های دروغین، وحدت و انسجام ملی‌شان را تحت‌الشعاع قرار دهد.

مسعود اکبری

تداوم اقدام خصمانه آمریکا علیه ایران
تحریم بیش از ۵۰ فرد و شرکت همکار به بهانه فروش نفت

وزارت خزانه‌داری آمریکا در راستای سیاست فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که بیش از ۵۰ فرد، نهاد و کشتی را به بهانه تسهیل فروش نفت و گاز مایع ایران تحریم کرده است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا روز پنجشنبه به وقت محلی خبر داد: عناصر کلیدی ماشین صادرات انرژی ایران را هدف قرار داده است.

وزارت خزانه‌داری دولت دونالد ترامپ ادعا کرد: «دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (OFAC) با تحریم بیش از ۵۰ فرد، نهاد و کشتی که فروش و حمل نفت و گاز مایع (LPG) ایران را تسهیل می‌کنند، تلاش‌های خود را علیه صادرات نفت و پتروشیمی ایران تشدید کرد. این بازیگران به طور جمعی صادرات میلیاردها دلار نفت و فرآورده‌های نفتی را امکان‌پذیر کرده‌اند و درآمد حیاتی برای حکومت ایران و حمایت آن از گروه‌های تروریستی که آمریکا را تهدید می‌کنند، فراهم کرده‌اند».

این نهاد آمریکایی مدعی شد: «این اقدام، شبکه‌ای را که صدها میلیون دلار گاز مایع ایران را جابه‌جا می‌کند، به همراه بیش از ۲۰ کشتی ناوگان مخفی، یک ترمینال نفت خام مستقر در چین و یک پالایشگاه مستقل کوچک موسوم به «تی پات» که برای توانایی ایران در صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی کلیدی هستند، هدف قرار داد».

اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا با تکرار ادعاهای واشنگتن ادعا کرد: «وزارت خزانه‌داری با منحل کردن عناصر کلیدی ماشین صادرات انرژی ایران، جریان پولی این کشور را کاهش می‌دهد. در دوران ریاست جمهوری ترامپ، دولت آمریکا در حال مختل کردن توانایی حکومت ایران برای تامین مالی گروه‌های تروریستی است که آمریکا را تهدید می‌کنند».

این چهارمین دور تحریم‌هایی است که دولت ترامپ پالایشگاه‌های مستقر در چین را که همچنان به خرید نفت ایران ادامه می‌دهند، هدف قرار داده است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین مدعی شد: این اقدام بر اساس تحریم‌های اخیر در ماه‌های ژوئیه و اوت است که عوامل کلیدی صادرات نفت ایران را هدف قرار داده است. اقدام امروز در درجه اول طبق فرمان اجرائی ریاست‌جمهوری به شماره ۱۳۹۰۲ که بخش نفت و پتروشیمی ایران را هدف قرار می‌دهد، و همچنین طبق فرمان اجرائی ۱۳۸۴۶ انجام می‌شود.

تحریم گروه‌های نظامی در عراق به بهانه ارتباط با ایران

همزمان تامی پیگوت، معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز با تکرار ادعاهای واشنگتن افزود: «ایالات متحده شبکه‌ای متشکل از هشت فرد و نهاد را به دلیل حمایتشان از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (IRGC)، نیروی قدس سپاه پاسداران (IRGC-QF) و دو گروه نظامی همسو با ایران (IAMG) در عراق که سازمان‌های تروریستی خارجی هستند، کتائب حزب‌الله (KH) و عصائب اهل حق (AAH)، تحریم می‌کند».

وزارت خارجه آمریکا ادعا کرد: «اقدامات، جریان‌های مالی غیرقانونی را که فعالیت‌های مخرب ایران، از جمله سوءاستفاده و دخالت ایران در اقتصاد عراق را تامین مالی می‌کنند، مختل کرده و منابع عراق را از اختلاس و فساد محافظت می‌کند. ایالات متحده همچنان متعهد به مقابله با ایران، حامی اصلی تروریسم در جهان، و جلوگیری از حملات این گروه‌ها علیه کارکنان و تاسیسات ایالات متحده است. ما از تمام ابزارهای موجود برای پاسخگو نگه داشتن حکومت ایران به خاطر فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده و مخرب آن که صلح و امنیت بین‌المللی را تضعیف می‌کند، استفاده خواهیم کرد».

تحریم ۲۹ نهاد و شرکت در چین ترکیه و امارات به بهانه ارتباط با ایران و متحدانش

پیش از این، وزارت بازرگانی آمریکا ۲۹ نهاد و شرکت مستقر در چین، ترکیه و امارات را به بهانه ارتباط با ایران و متحدانش در فهرست سیاه تجاری خود قرار داده است.

آمریکا ادعا کرد که ۱۵ شرکت چینی را به دلیل تسهیل خرید قطعات الکترونیکی آمریکایی که در پهپادهای مورد استفاده گروه‌های انصارالله یمن و حماس یافت می‌شوند، به فهرست سیاه تجاری خود اضافه کرده است.

بر اساس پیامی در روزنامه فدرال رجیستر، ۱۰ شرکت در چین به دلیل کمک به خرید قطعات یافت شده در سیستم‌های پهپادی مسلح که توسط انصارالله یمن استفاده می‌شوند، در فهرست سیاه نهادهای وزارت بازرگانی آمریکا قرار گرفتند.

در این بیانیه آمده است که پنج شرکت چینی دیگر پس از انتشار اطلاعاتی مبنی بر اینکه نیروهای نظامی اسرائیل تعداد زیادی پهپاد مسلح (UAV) را که توسط حماس اداره می‌شوند، کشف کردند، در فهرست سیاه قرار گرفتند و بقایای پهپادها نشان‌دهنده وجود چندین قطعه الکترونیکی ساخت آمریکا بود.

چین: از شرکت‌ها در برابر تحریم‌های آمریکا علیه ایران محافظت می‌کنیم

خبر دیگر اینکه، چین روز جمعه اعلام کرد که در پاسخ به تحریم‌های آمریکا علیه تجارت نفت ایران، که یک پالایشگاه چینی را هدف قرار داده است، اقدامات لازم را برای حفاظت از حقوق قانونی شرکت‌ها و شهروندان چینی انجام خواهد داد.

گوئو جیاکون، سخنگوی وزارت امور خارجه چین روز جمعه در یک نشست خبری گفت که چین از ایالات متحده می‌خواهد به استفاده از تحریم‌ها پایان دهد و افزود که چین از امنیت انرژی خود دفاع خواهد کرد. این تحریم‌ها حدود ۵۰ فرد، نهاد و کشتی، از جمله یک پالایشگاه و ترمینال مستقل چینی، را که در تجارت نفت و پتروشیمی ایران نقش داشتند، هدف قرار داده است.

با تجربه‌های پیشین تحریم‌ها را مدیریت می‌کنیم

اقدام خصمانه آمریکا علیه ایرانی مبنی بر تحریم ۵۰ فرد، نهاد و شرکت که در تسهیل فروش نفت ایران نقش داشتند؛ ماهیت سلطه‌گرانه ایالت متحده بار دیگر نمایان شد.

با این وجود، غربگرایان بدون اعتنا به این دست از اقدامات بر طبل مذاکره می‌کوبند و همین مسئله تیغ دشمن را علیه ایران بیش از گذشته تیز می‌کند.

علی ایحال، با اتکا به تجربه گذشته امکان مدیریت تحریم‌ها و بی‌اثر کردن فشار وجود دارد.

مالک شریعتی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در همین ارتباط اظهار داشت: ما نباید نگران کاهش فروش نفت ایران به دلیل مکانیسم ماشه باشیم. با این حال، باید مراقب شیطنت‌های دشمن و تحریم‌های آمریکا بود که همچنان ادامه دارند. ایران با تجربه‌ای که دارد، می‌تواند این فشارها را به خوبی مدیریت کند.

حنظله سیستم سوخت اسرائیل را هک کرد

گروه سایبری «حنظله» ضمن خبر دادن از اینکه سیستم سوخت اسرائیل را هک کرده است اعلام داشت: این یک هشدار نیست بلکه اثبات آسیب‌پذیری شماست.

گروه سایبری «حنظله» پس از هک کردن سیستم سوخت اسرائیل طی پیامی خطاب به اسرائیل جزئیات این اقدام را منتشر کرد.

پیام این گروه به شرح زیر است:

«این یک هشدار نیست بلکه اثبات آسیب‌پذیری شماست. شما برای مدت طولانی به دژهای دیجیتال و حس کاذب امنیت خود تکیه کرده‌اید، با این باور که اسرار شما پشت فایروال‌ها و کدهای رمزنگاری شده در امان است.

امروز، این توهم به پایان می‌رسد و ما، هکرهای حنظله، به هسته اصلی دلک ستون فقرات تأمین سوخت رژیم صهیونی نفوذ کرده‌ایم. ما همه چیز را خارج کرده‌ایم: پایگاه داده کامل همه اطلاعات مشتریان، قراردادهای محرمانه نظامی که فکر می‌کردید غیرقابل دسترس هستند.

فهرست مأموران مخفی شما، هر تراکنش، هر ورودی کارت هوشمند؛ چیزی باقی نمانده است. اطلاعات شخصی ۶۵۰ هزار مشتری دلک نام‌ها، شماره تلفن‌ها، ایمیل‌ها و شناسه‌های منحصر به فرد به صورت عمومی منتشر خواهد شد. اکنون هر کسی می‌تواند هویت مشتریان شما را جعل کند».

خبر ویژه

طنز تلخ طلبکار شدن متهمان و محکومان پرونده کرسنت!

فرار به جلو مدعیان اعتدال و اصلاحات درباره خسارت‌های قرارداد فاجعه‌بار کرسنت در حالی است که چند نفر از متهمان پرونده (از مدیران دولت خاتمی) در این پرونده محکوم شده و بیژن زنگنه نیز در میان متهمان و منتظر صدور حکم است.

در این زمینه سخنگوی قوه قضائیه ۲۲ اسفند ۱۴۰۳ در تشریح جزئیات رسیدگی به پرونده کرسنت و آخرین وضعیت آن گفت: انعقاد قرارداد فروش ۲۵ ساله گاز ترش از سوی شرکت ملی نفت ایران به شرکت موسوم به کرسنت در سال ۱۳۸۰ منعقد شده است و در سال ۱۳۸۴ پرونده‌ای تشکیل شد و در سال ۱۳۸۹ کیفرخواست علیه افرادی به اتهام تبانی در معاملات دولتی و تحصیل مال نامشروع صادر شد. در سال ۱۳۹۰ کیفرخواست دیگری علیه هفت نفر از اعضای وقت هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران دایر بر مشارکت در جعل و استفاده از اسناد مجعول صورت جلسه هیئت مدیره صادر شد.

جهانگیر افزوده بود: در سال ۱۳۹۰ کیفرخواست دیگری علیه ۱۷ نفر از اشخاص حقیقی و حقوقی به اتهام مشارکت در تبانی برای انعقاد قرارداد فروش گاز و پرداخت رشوه و تحصیل مال نامشروع صادر شد که ابتدا در شعبه ۱۱۹۲ دادگاه عمومی جزایی تهران و سپس در شعبه ۸۰ دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شد و به موجب دادنامه هشت نفر به اتهام تبانی در معاملات دولتی محکوم و از نظر اتهام جعل و استفاده از اسناد مجعول تبرئه شدند.

سخنگوی قوه قضائیه همچنین گفته بود: پرونده درخصوص برخی اتهامات متهمین مفتوح ماند و در نهایت پرونده به شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران و در ادامه به شعبه ۶ کیفری یک استان تهران ارجاع شد و در سال ۱۳۹۹ کیفرخواست دیگری دایر بر تبانی در معاملات دولتی صادر شد و در تاریخ ۶ اسفند ۱۴۰۱ دادگاه رای محکومیت برای هشت متهم برای پرداخت رشوه و تحصیل مال نامشروع صادر کرد که با اعتراض متهمان پرونده به دادگاه تجدید نظر ارسال شده است و در دادگاه تجدید نظر با اعمال تغییراتی حکم صادره عیناً تأیید شد. درخصوص سایر متهمان و اعضای هیئت مدیره پرونده در وقت نظارت است و در روز گذشته و امروز جلسات رسیدگی در دادگاه در حال برگزاری است و اگر به نتیجه برسد نتایج بموقع اطلاع‌رسانی خواهد شد.

از سوی دیگر، غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی اسبق قوه قضائیه ۲۹ اردیبهشت امسال گفت: بیژن نامدار زنگنه از متهمان پرونده کرسنت است که در دوره شهید رئیسی به مرحله کیفرخواست رسید اما احکام نهائی هنوز صادر نشده است.

وی درباره آخرین وضعیت پرونده کرسنت اظهار داشت: بخشی از پرونده کرسنت در دوره آیت‌الله آملی لاریجانی بررسی و منجر به حکم هم شد، منتهی برای اجرای حکم موانعی پیش آمد. درباره بخش دوم پرونده کرسنت تا زمانی که شهید رئیسی رئیس قوه شوند اقدامی صورت نگرفت و در دوره ایشان دوباره روند رسیدگی شروع شد. علی‌رغم اینکه در آن مقطع برخی از متهمان این بخش از پرونده دارای سمت‌ها و جایگاه‌های دولتی بودند، پرونده تشکیل شد، احضارها صورت گرفت، بررسی‌ها انجام شد و در نهایت در همان دوره به صدور کیفرخواست انجامید. علی‌رغم اینکه بخشی از متهمان مقامات دولتی بودند، پرونده تشکیل و احضارها انجام شد.

وی افزود: با رسیدگی‌هایی که انجام شد پرونده در همین دوره به کیفرخواست رسید. این یعنی بخش سخت و دشوار پرونده که رسیدن به مرحله کیفرخواست بود انجام شد. جزئیات هم بدین گونه بود که در سال‌های ۹۸ و ۹۹ ادله جمع‌آوری شد و روند پیگیری قضائی در دادسرای استان تهران شروع و در سال ۹۹ کیفرخواست نهائی شد. تقریباً از نیمه دوم سال ۱۳۹۸، جمع‌آوری ادله آغاز شد، پرونده در دادسرای تهران به جریان افتاد و در سال ۱۳۹۹ منجر به صدور کیفرخواست شد. از آن پس، بخش آسان‌تر ماجرا، یعنی روند دادگاهی، باقی ماند که در آن زمان شهید رئیسی به دولت رفت.

اسماعیلی گفت: در دوره شهید رئیسی، به بخش دوم پرونده کرسنت ورود شد.

اسماعیلی درباره متهمان پرونده بیان داشت: نام آقای بیژن نامدار زنگنه هم جزء متهمان بود البته به دلیل اینکه تاکنون احکام این حوزه صادر نشده، جزئیات آن را نمی‌توانم بگویم.

یادآور می‌شود یکی از متهمان پرونده کرسنت، علی کاردُر مدیرعامل وقت شرکت نفت است که با رای دیوان عالی کشور به انفصال از خدمات دولتی بدون هیچ‌گونه اغماض محکوم شد، اما در دولت روحانی و وزارت زنگنه، مجددا به کار قبلی بازگشت! او همچنین در شهریور سال گذشته به عنوان عضو اصلی هیئت‌رئیسه صندوق بازنشستگی نفت منصوب شد.

شرق: هلدینگ‌ها در غیاب دولت بازار ارز را به هم می‌ریزند

وزیر اقتصاد در سخنان اخیر خود به گونه‌ای بانک مرکزی را مسئول رشد افسارگسیخته نرخ ارز معرفی می‌کند که گویا دولت در تلاشی شبانه‌روزی برای افزایش ارزش ریال است و ضعف سیاست‌گذار پولی (بانک مرکزی) همه تلاش‌های آنها را خنثی کرده است.

روزنامه شرق با انتشار این مطلب نوشت: برجسته‌کردن نقش «هیئت عالی بانک مرکزی» در سخنان وزیر اقتصاد، در خدمت همین نگاه و موجب تحریف واقعیت است. تقلیل دادن نقش وزارت اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه در افزایش نرخ ارز به دو رأی در «هیئت عالی بانک مرکزی» نیز بخشی از همان نظام تحریفی است که همواره کوشیده است به هر قیمتی ردپای مافیای سرمایه را در کاهش ارزش ریال پنهان کند. اگرچه سناریوی «نظم پولی» سرمایه‌دارانه - با محوریت روان‌سازی هدایت اعتبار به صاحبان سرمایه- در بیرون از دولت نوشته و کارگردانی می‌شود؛ ولی فقط بازیگران کاربلد (وزرا و وکلا) می‌توانند نقش‌ها را خوب از آب درآورند. بازیگرانی که حضورشان باید «فقدان» دولت را نمایندگی کند و نه خود دولت را. وقتی چارچوب دولت مدرن به مدد اهرم‌های فرادولتی هر روز مچاله‌تر می‌شود، آنچه باقی می‌ماند نه دولت وعده داده شده، بلکه کاریکاتوری از دولت است؛ حضوری نمایشی که غیاب واقعی را می‌پوشاند؛ بنابراین نقش دولت حتی در حد تضمین بازتولید روابط سرمایه نیست. «شبح دولت» حضور دارد، بودجه می‌ریزد و به واسطه نهادهایش (هیئت عالی بانک مرکزی) سیاست می‌چینند؛ اما این «حضور» در واقع پرده‌ای بر «غیاب» همیشگی اوست؛ غیابی که بیشتر حضور نهاد فرادولت را تضمین می‌کند.

برخلاف جوسازی رسانه‌ای باندهای فرادولتی که به نوبت مهره‌ها را فدای «منطق انباشت» می‌کنند، دیگر هر شهروند ساده‌ای هم می‌داند که بانک مرکزی اگر هم بخواهد، اصلا اجازه کنترل نوسانات نرخ ارز را ندارد و اگر هم مقصر است، نه به خاطر تنظیم نادرست سیاست‌های پولی و نرخ ارز (که هیچ وقت ربطی به آنها نداشته است) بلکه در پافشاری بر نمایشی است که «غیاب دولت» را پنهان می‌کند.

سازوکار زمین‌زدن ریال روندی ساده و تکراری را طی می‌کند: ضعف عرضه ارز و تقاضای پرشتاب آن. صادرکنندگان عمده‌ای که بر منابع ملی و بنگاه‌های خصوصی‌شده مسلط شده‌اند، بازار حواله ارزی را به زمین بازی «دستان مرئی» خود بدل کرده‌اند. مقررات و نظارت بانک مرکزی در این میان کاملا خنثی است و قیمت‌گذاری عملا در دست همان چند گروه بزرگ، به‌ویژه پتروپالایشی‌ها قرار دارد.

این صادرکنندگان یا خود واردکننده‌اند، یا در زمینه یک هماهنگی، حلقه انحصاری صادرات و واردات شکل داده‌اند؛ حلقه‌ای که تراکنش‌ها را چنان مدیریت می‌کند که طلب‌های ارزی همواره به نفع خودشان و در قیمتی افزایشی حواله شود. نتیجه روشن است: از سال ۱۳۹۷ تا امروز نرخ دلار نیمایی -که بعدها با عنوان ارز تجاری یا حواله شناخته شد- بیش از هشت برابر شده و نرخ دلار آزاد نیز به تبع آن از مرز ۱۱۵ هزار تومان گذشته است. این جهش در حالی رخ می‌دهد که در اغلب این سال‌ها تراز بازرگانی و حساب جاری کشور مثبت بوده و باید در حواله‌های ارزی این قوّت عرضه در برابر تقاضا خود را نشان می‌داد. همین تناقض آشکار می‌گوید سقوط ارزش ریال نه محصول کمبود واقعی ارز در برابر تقاضا؛ بلکه حاصل مدیریت انحصاری همان حلقه بسته‌ای است که از التهاب بازار سود می‌برد و ارز را در نرخ‌های بالا و بالاتر قیمت می‌زند تا سود خود را صدچندان کند: چه با گران‌فروشی کالاهای وارداتی، و چه با بادکردن ارزش ذخایر ارزی خود. این سازوکار نیازمند یک شبکه پرقدرت پولی و مالی است که بتواند قیمت‌خوردن ارز را در مقادیر بالاتر ممکن کند. شبکه‌ای که از اوایل دهه ۱۳۸۰ با متوقف‌کردن بانکداری ملی عنان خلق نقدینگی را در اختیار خود گرفت.

این شبکه که هر روز نقدینگی سرسام‌آوری را به اقتصاد پمپاژ می‌کند، بسیار فراتر از اهرم‌های سیاست‌گذاری بانک مرکزی عمل می‌کند. رابطه بانک مرکزی با این شبکه نه یک الگوی نظارتی بالاسری، که بیشتر فراهم‌کننده قواعد زیرساختی برای مبادلات آنهاست. این حجم پمپاژ نقدینگی (تا ۱۱ هزار میلیارد تومان در هر روز) زمینه نقدشدن سودهای مالی هلدینگ‌های مالی بزرگ را در شرایط ضعف بخش مولد اقتصاد فراهم می‌کند و اگر وجود نداشت، هرگز شوک‌های سیاسی نمی‌توانست رشدهای ناگهانی و افسارگسیخته نرخ ارز را موجب شود.

الگویی دقیقا برخلاف رفتار سال‌های اخیر دولت روسیه که در شرایط تحریمی قطع دستان الیگارشی مالی را در اولویت قرار داد تا با حفظ ارزش روبل ثبات اقتصادی را حفظ کند. اما در این‌جا هلدینگ‌های مالی و انرژی از یک طرف با کنترل شبکه بانکی به نفع خود خلق اعتبار می‌کنند و از طرف دیگر با تصاحب بنگاه‌های ملی خصوصی‌شده (!) و سلب مالکیت از دولت، بودجه دولت را به استقراض فزاینده از خود وادار می‌کنند.

به نحوی که انباشت بدهی دولت بابت اوراق بدهی به بیش از هزار و ۵۵۰ تریلیون تومان رسیده است. نقدشدن این تعهدات دولت هم در گرو خلق نقدینگی فزاینده‌ای است که هرچه بیشتر بر کاهش ارزش ریال دامن می‌زند و قدرت خرید را از جیب مردم به جیب صاحبان سرمایه منتقل می‌کند.

شبکه بانکی و هلدینگ‌ها به جای دولت نشسته‌اند و فقط با نقدینگی بیشتر آرام می‌گیرند. تولید نقدینگی بدل به آیینی روزمره شده که کارکردش نه حمایت از اقتصاد مولد، بلکه بازتولید همان «فانتزی نظم پولی» است که «غیاب دولت» را می‌پوشاند.

هم دولت را گرفتار کردند هم حالشان به‌هم می‌خورد!

روزنامه غربگرای هم‌میهن که خودش از بانیان آدرس دروغ و فرصت‌سوزی در یک سال گذشته بوده، حالا می‌گوید حالش از بی‌عملی دولت و مواضع تکراری سخنگوی آن به‌هم می‌خورد!

سردبیر روزنامه کرباسچی، بدون اشاره به نقش رسانه متبوعش در ایجاد انحراف گفتمانی و حاشیه‌سازی و فریب و فرصت‌سوزی، نوشت: نشست خبری اخیر سخنگوی دولت برخلاف معمول با یک اتفاق همراه بود. وسط نشست خبری، ناگهان ایشان از خبرنگاران عذر خواست و بعد هم حالش به‌هم خورد و البته، پس از دقایقی که بهتر شد، برگشت و به ادامه نشست خبری پرداخت.

روشن نیست دلیل از حال رفتن ایشان چه بوده است. طبعاً، علتی پزشکی دارد که نویسنده درباره جزئیات آن، نه خبر دارد و نه تخصص اظهارنظر. البته در بین اعضای کابینه پزشک هست. شخص رئیس‌جمهور و وزیر بهداشت. البته، قبلاً معاونی پارلمانی هم داشتند که فکر می‌کردیم او هم پزشک است؛ اما بعداً فهمیدیم تخصص اصلی ایشان جهانگردی و شاید جغرافیا با تخصص قطب‌جنوب بوده است.

به‌هم خوردن حال خانم سخنگو را می‌توان از منظری غیرپزشکی، تحلیل سیاسی کرد که به آن، آلوده آنیم. فرض کنید شما یا ما یا هرکس دیگر، جای ایشان باشد. هر هفته یک‌بار و گاهی دوبار روبه‌روی خبرنگاران می‌ایستید. از روز اول هم، چند سؤال و موضوع اصلی مطرح می‌شده است. مثلاً، فیلترینگ؛ یا مثلاً، روند مذاکرات.

یکی دو ماه اول، با امیدواری و شور و شوق، از برنامه‌های دولت در این زمینه‌ها می‌گویید. خبر هم می‌دهید که در فلان کمیته و بهمان کارگروه یا شورا، موضوع در دستورکار قرار گرفته است. بعد از دو سه ماه، دیگر همین حرف‌ها را هم برای پاسخ گفتن ندارید. شروع می‌کنید به اعلام مواضع دولت. اینکه دولت مخالف فیلترینگ است. رفع تحریم‌ها را ضروری می‌داند. تصمیمات دولت بر مبنای نظرات کارشناسی است و از این قبیل.

متاسفانه، این راهبرد هم صرفاً در حد یکی دو نشست خبری کشش دارد... وعده